



توجه صرف به روایات در تفسیر ما را از بخشی از معارف قرآنی محروم می‌کند

در زمان ائمه معصومین(ع) ارتباطات گسترده وجود نداشته، آنها غالباً در مضيقه بوده‌اند و روایات وارده در پاسخ به افراد مختلف با سطح فهم متفاوت مطرح می‌شده است؛ بنابراین توجه صرف به روایات در تفسیر قرآن محدود کننده است و ما را از بخشی از معارف قرآنی محروم می‌کند.

در زمان ائمه معصومین(ع) ارتباطات گسترده وجود نداشته، آنها غالباً در مضيقه بوده‌اند و روایات وارده در پاسخ به افراد مختلف با سطح فهم متفاوت مطرح می‌شده است؛ بنابراین توجه صرف به روایات در تفسیر قرآن محدود کننده است و ما را از بخشی از معارف قرآنی محروم می‌کند.

محمدباقر خیری راد، پژوهشگر علوم قرآن و مدرس دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره)، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، با اشاره به تعارض ظاهری برخی از روایات ائمه معصومین(ع) درباره آیات قرآن، اظهار کرد: نکته مهمی که قابل طرح است، این است که خود روایات مبین قرآن هستند. اگر ما به گونه‌ای نظاره کنیم که همه ذهن ما فقط درگیر روایت بشود و خود قرآن به عنوان کلامی که فهم‌ناپذیر است و فقط از طریق روایات به فهم قرآن بپردازیم، این مشکل بروز می‌کند که روایاتی متعارض و متناقض هستند.

مدرس دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره)، راه حل طرد این تناقضات را براساس گفتار پیامبر اکرم(ص)، این دانست که اگر از ما سخنی شنیدید که با قرآن متعارض بود، آن را به دیوار بکوبید و اظهار کرد: پس مشخص می‌شود خود قرآن هم مبین است و کتاب روشن و روشنگری در راستای هدایت و قابل فهم است.

وی افزود: بر این اساس، می‌توان محکمت بسیاری را از قرآن فهمید و در سایه آن، روایاتی را که با نص صریح یا با ظاهر آیات تعارض صریح و آشکار دارد، طرد کنیم. پس نتیجه‌ای که می‌توان گرفت این است که باید تعامل و دیالکتیکی میان قرآن و سنت برقرار شود؛ یعنی يك چشم به روایات داشته باشیم و هم چشمی به خود قرآن کریم و اینها وقتی از منظر کلان و نگان عمیق و دقیق در کنار هم قرار می‌گیرند، روایات می‌توانند بسیار روشن‌گر باشند، اما از طرف دیگر می‌توانیم به مبانی و محکمتی دست پیدا کنیم که روایاتی را که با قرآن متعارض است، کنار بگذاریم.

خیری راد ادامه داد: ممکن است در موارد زیادی از آیات قرآنی مشاهده شود که در روش عقلی سنتی و متعارف به معنایی برسیم که با روایات رسیده از معصومین(ع) متعارض باشد و بالعکس. این تعارضات در بستر زمان و بر حسب سطوح فهم آدمیان و افرادی که برای فهم قرآن تأمل می‌کنند، طبیعی است.

وی با اشاره به نحوه حل این تعارضات، ضمن استشهاد به آیه کریمه «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا؛ آیا در [معانی] قرآن نمی‌اندیشند و اگر از جانب غیر خدا بود، قطعاً در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند» (نساء/82)، اظهار کرد: تفاوت آدمیان بر حسب درجات فهم یا زمان‌های مختلف فهم، يك امر طبیعی است.

وی افزود: خود مرحوم علامه طباطبایی در انتهای مبحث محکم و متشابه و تأویل، بحثی درباره تفسیر به رأی دارد. ایشان در آنجا با استفاده از خود روایات نتیجه می‌گیرد که تفسیر به رأی به معنای تحمیل سطح فهم ما به قرآن است؛ یعنی هدف خداوند از نزول قرآن، این بوده است که ذهن ما را همچون کودکان گام به گام تعالی ببخشد.

مدرس دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره) خاطرنشان کرد: البته خداوند با ارسال قرآن، کلام خود را تا حد فهم ما پایین آورده است، ولی هدف او تعالی گام به گام ما بوده است و اگر این کودک بر سطح فهم خود تصلب بورزد، تعالی پیدا نخواهد کرد و چه بسا بسیاری از معارف را منکر شود. بنابراین ما باید ذهن خود را تعالی بخشیم.

وی افزود: اگر آن‌چه را که ما از راه فهم عقل بشری به آن رسیده‌ایم، در مقابل روایتی قرار دهیم که بسیار عمیق است، در اینجا ما باید ذهن خود را تعالی دهیم، مگر آن‌که روایت مورد نظر به صراحت با مسلمات عقلی، روایی یا قرآنی متعارض باشد. پس فهم عقلی همان چیزی است که قرآن ما را با عناوینی نظیر تعقل و تدبیر به آن دعوت کرده است، اما این به تنهایی کافی نیست.

خیری راد با بیان این‌که بر حسب آیات قرآن، واقعاً نباید ذهن خود را از تأمل تعطیل کنیم و فقط ببینیم که روایات چه گفته‌اند و آن را بپذیریم، گفت: این عمل اصولاً تدبیر و تأمل نیست. تأمل و تدبیر آن است که خود ما ببینیم و معانی را در کنار یکدیگر قرار دهیم و همان مفهوم ضرب را مد نظر قرار دهیم که در روایات ذکر شده و به معنای آمیختن برخی وجوه در وجوه دیگر و استخراج معنای جدید است.

وی با اشاره به این‌که معتزله آیات قرآن را به گونه‌ای فهمیدند و اشاعره به نحوی دیگر، اظهار کرد: هر يك از اینها به وجهی از حقیقت رسیده‌اند، ولی از وجه دیگر مغفول مانده‌اند و رفع مشکل هر دو گروه در این است که ذهن خود را تعالی دهند. هر گروه مسلمات عقلی خود را کامل می‌داند که مشکل از همین کامل دانستن مفروضات ذهنی است که باید کنار گذاشته شود و ذهن نوعی تعالی پیدا کند.

خیری راد با تأکید بر این‌که ما آیات زیادی داریم که روایاتی ذیل آنها وارد نشده است، گفت: این نشان می‌دهد که ائمه معصومین(ع) بر حسب مراجعات و پرسش‌هایی که بوده است، پاسخ‌هایی ارائه می‌کرده‌اند. این مطلب همین محدودیت روش روایی را می‌رساند. با در نظر گرفتن این‌که ائمه معصومین(ع) در مضیقه بودند و در زمانشان ارتباطات گسترده وجود نداشته است، می‌فهمیم که توجه صرف به روایات در تفسیر قرآن محدود کننده است و ما را از بخشی از معارف قرآنی محروم می‌کند.

وی خاطرنشان کرد: مرحوم علامه طباطبایی معتقد است که ما از خود ائمه معصومین(ع) روش فهم را که همان روش قرآن به قرآن است، اخذ می‌کنیم و اگر در روایات خوب تأمل کنیم، می‌بینیم که آنها روش را به ما آموخته‌اند و در آموزش روش، نیازی به طرح همه موارد جزئی نیست. بنابراین ما باید روش فهم را از روایات دریافت کنیم و از آن طریق به تفسیر قرآن بپردازیم.